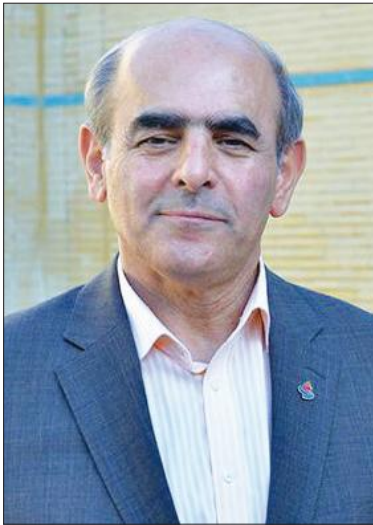


نقش هوش مصنوعی در تحولات آینده جهان

با تمرکز بر روی مدیریت سرمایه‌گذاری طرح‌ها



کردن امکانات لازم جهت تطابق با چنین فرهنگ مختلفی، چیزی که بیش از به‌کارگیری مدیران از مناطق جغرافیایی مختلف ضروری است، انتقال تحولات فرهنگ اقتصادی توسط برنامه‌های دقیق و آموزش‌های آگاهانه اصول

ذهنیت تطبیق دهند و رهبری خود را به سمت حضور در فضای رقابتی جهانی تغییر دهند. لذا مؤسسات و رهبران آن‌ها باید چگونگی مدیریت بر چنین تغییراتی را بیاموزند، در غیر این صورت چاره‌ای جز از دست دادن این شرایط رقابتی ندارند.

بنابراین رهبران مؤسسات جهانی باید توان سوق دادن تهدیدات و محدودیت‌ها به فرصت‌ها را داشته باشند تا بتوانند کارکنانشان را برای برتر بودن نه‌فقط برای بقاء بلکه برای سرعت بخشیدن به ابداعات در رقابت‌ها برانگیزانند. توانایی روبه‌رو شدن با مسائل فرهنگی، اقتصادی نیاز حیاتی مدیران جهانی برای موفقیت در زمان حال و فردا است. ابعاد آشنای زندگی سازمانی نظیر ساختار سازمانی، سبک رهبری، الگوهای انگیزشی، مدل‌های سرمایه‌گذاری و تفکرات عوامل بسیار مهم در مدیریت سرمایه‌گذاری و نظارت بر طرح‌ها هستند و به این ترتیب ضروری است که به مرزهای ملی به‌عنوان محدودیت‌هایی توجه شود. به‌منظور فراهم

رضا پدیدار

رئیس هیئت‌مدیره انجمن شرکت‌های مشاور سرمایه‌گذاری و نظارت بر طرح‌ها

تغییرات در اقتصاد جهانی در کنار مدیریت منابع انسانی، بسیاری از چالش‌های موجود را برجسته می‌کند. تغییرات عمده اجتماعی به‌صورت فزاینده‌ای کشورها را درگیر عوامل مستقلاً کرده است که آزادانه کالا، سرمایه و مردم را جابه‌جا می‌کنند. با این حال در این جوامع حدود مرزهای فرهنگی باقی می‌مانند. به‌منظور موفق ماندن در دوره جدید جهانی شدن، مؤسسات باید هدف خود را فرامولی قرار دهند. همچنین باید استراتژی‌هایی را که تمایل به موفق شدن رقابت در عرصه جهانی دارند در درون خود جا بیندازند.

تکمیل استراتژی‌های موفق جهانی، نیازمند توجه دقیق به مدیریت تضادهای فکری ایجاد شده در بین منابع انسانی و حفظ نقاط قوت فرهنگ سازمانی است. به‌منظور بقا در قرن بیست و یکم، سازمان‌ها باید خود را با یک



و مبانی نوین فرهنگ اقتصادی است. برای ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت در عرضه‌های بین‌المللی، رهبران اقتصادی جهانی نه تنها باید عادات، آداب و قوانین کشور مقصد خود را بیاموزند، بلکه حتی فرهنگ ملی اقتصادی و طرز فکر مردم آنجا را نیز باید بشناسند. در مذاکرات بین‌المللی جنبه‌هایی که در فرآیند مذاکره از منظر اقتصادی به دیگر بنیادهای اجتماعی مرتبط می‌شود، تفاوت می‌کند. در این حالت شرایط فرهنگی، سبک‌های مذاکره، نگرش‌های موجود در حل مشکلات احتمالی، فرضیات پیچیده، بیان حقایق، روش‌ها، آداب و رسوم نه فقط راه‌حل‌های کوتاه‌مدت، بلکه به‌منظور ایجاد استراتژی بلندمدت در مذاکرات بین‌المللی، ظرایف فرهنگی جوامع را در فرآیند مذاکره باید دانست و مذاکره‌کننده باید شرایط تحولات آینده در مقابل خود را درک کند. هوش مصنوعی مهارتی است که می‌تواند در این مسیر پرورش یابد. پنج نکته برای تجزیه و تحلیل مذاکرات با تمرکز بر روی مدیریت سرمایه‌گذاری می‌تواند اثربخش باشد:

۱- سبک تصمیم‌گیری: الگوهایی وجود دارند که مدیران و مقامات رسمی از طریق آن‌ها سیستم ارتباطی مذاکره خود را منسجم می‌کنند و از این طریق به تصمیمات رسمی دست می‌یابند. یک مذاکره‌کننده می‌تواند با یافتن راه‌هایی برای تجزیه و تحلیل فرهنگ اقتصادی شرکت‌های داخلی و یا خارجی که روی تصمیم‌ها و توافق‌هایشان اثر می‌گذارد، آن‌ها را جهت ایجاد چارچوبی مناسب منسجم کند.

۲- بازیگران و موقعیت: بعد فرهنگ اقتصادی ضریبی جدانشدنی از روش و نگرش مذاکره‌کنندگان به فرآیند مذاکره است. این نکته عواقب گوناگونی را پدید می‌آورد. تفاوت آنچه مذاکره‌کنندگان تصور می‌کنند با جایگاه اجتماعی مذاکره‌کنندگان را به وجود می‌آورد. مذاکره‌کنندگان باید آنچه را که طرف خارجی تصور می‌کند را دریابند و سپس محیط بدون تنش ایجاد کنند که در صورت برخورد مثبت

و منطقی طرف مقابل، روند مذاکره به حل مسئله و ایجاد مشارکت می‌انجامد.

۳- خصوصیات ملی: در شرایط بین‌المللی ممکن است بتوان با بهره‌گیری از مبانی هوش مصنوعی و هویت و میراث ملی کشور و طرف گفتگو توجه مذاکره‌کننده خارجی را جلب کرد. خصوصاً که مذاکره‌کنندگان خارجی از سبک‌های مختلفی برای استدلال استفاده می‌کنند که باید توجه کامل طرف‌های خارجی را به سایر موارد جلب نمود.

۴- موانع قانونی اقتصادی: با بهره‌گیری از هوش مصنوعی می‌توان کلیه موانع را در مقایسه با رقبای متقابل شناسایی و سپس نسبت به رفع هر یک اقدام نمود و مفاهیم و اختلاف‌های جزئی را از مسیر اجرایی طرح حذف و یا جداسازی کرد.

۵- آموزش مدیران عمومی جهانی: تجهیز مدیران با ذهنیتی جهانی وظیفه‌ای استراتژیک است که پیش روی کلیه مدیران تصمیم‌گیر در سازمان‌های محلی و ملی و نیز بین‌المللی قرار دارد. تأثیر و تأثر فرآیند اقتصادی و اجتماعی حاصل از نگاه هوش مصنوعی از بین سایر مهارت‌ها، یک ویژگی مطلوب دیگر در مسیر حضور جهانی شدن است. هوش مصنوعی و تحولات آینده آن در نظام جهانی شدن دارای سه بعد کلی است:

برای ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت در عرضه‌های بین‌المللی، رهبران اقتصادی جهانی نه تنها باید عادات، آداب و قوانین کشور مقصد خود را بیاموزند، بلکه حتی فرهنگ ملی اقتصادی و طرز فکر مردم آنجا را نیز باید بشناسند. در مذاکرات بین‌المللی جنبه‌هایی که در فرآیند مذاکره از منظر اقتصادی به دیگر بنیادهای اجتماعی مرتبط می‌شود، تفاوت می‌کند.

الف - تجارت و سیستم جهانی شدن،
ب- انقلاب فناوری ارتباطات،
ج- بازارهای مالی و سرمایه.

در این حالت بیشتر مردم تغییرات در تجارت و روابط اقتصادی را به‌عنوان محرک اصلی فرآیند جهانی شدن می‌پندارند. از این منظر معاملات و اقدامات فرامرزی نسبت به دیگر جنبه‌های زندگی، جهانی شده‌اند و آینده تجارت جهان، تولید و مصرف، پذیرش جهانی اقتصاد، بازار و تجارت آزاد و سرعت افزایش آزادی و جریان سرمایه، به دلیل جهانی شدن سیاست و همچنین پیشرفت تکنولوژی بوده‌اند. در تمام حوزه‌های منتسب به جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد ملموس‌ترین و فراگیرترین قلمرو را در ذهنیت همگان تشکیل می‌دهد. شواهد مؤثر این مهم مؤید این واقعیت است که در هیچ حوزه‌ای به‌اندازه حوزه اقتصادی، پدیده جهانی شدن پیشرفت نکرده است. هر ناظر غیرمتخصص در هر نقطه از جهان با نگاهی سطحی در کالاها و خدمات ارائه شده در محیط خود می‌تواند عملکرد چین نهاد اقتصادی متعلق به چند واحد سیاسی را ملاحظه کند. قدرت اقتصادی ایالات متحده حجم عظیم تولید شرکت‌های چندملیتی را در اقتصاد بین‌الملل این نگرانی را تشدید کرده است که سلطه‌ای جدید، توانایی‌هایی به‌مراتب بیشتر از گذشته در سطح جهانی در حال شکل‌گیری است، که هدفش بلعیدن کشورها و واحدهای کوچک اقتصادی می‌باشد. جهانی شدن اقتصاد و بازارهای مالی، هم افراد و هم دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اثر آن در پیوند مناطق از طریق هوش مصنوعی و نیز تحولات دور از تصور آن در آینده جهان با تمرکز بر روی مدیریت سرمایه‌گذاری در طرح‌هاست.

توجه داشته باشیم که جهانی شدن سیاست نیز یکی از پیامدهای پیشرفت تکنولوژیک جهانی شدن اقتصاد و فروپاشی نظام‌های کهنه اقتصادی است که در زمینه‌های آن با تحول هوش مصنوعی از دهه ۸۰ آغاز و در دهه ۹۰ توسعه یافت. اکنون که در هزاره سوم بسر می‌بریم باید فرآیند جهانی شدن را و نیز بازتاب «جابه‌جایی جهانی» را به‌عنوان مرکز ثقل قدرت درک کنیم. ♦♦